

اعتبارسنجی قرائات سبع از نظر امام خمینی علیه السلام*

محمد فاکر میبدی** و سید مجتبی رضوی اصیل***

چکیده

آراء و نظرات حضرت امام خمینی علیه السلام به عنوان یک فقیه سترگ و مرجع بزرگ و رهبر امت بسیار حایز اهمیت بوده و در خور تحقیق و بازپژوهی است. یکی از مسائلی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، مسئله اعتبار قرائات قرآن از منظر ایشان است، در این مقاله دیدگاه حضرت امام علیه السلام مورد تحقیق و واکاوی قرار گرفت. با تتبع آثار و نوشته‌های ایشان به دست آمد که امام علیه السلام دو نوع موضع گیری در این موضوع داشته‌اند. در برخی از آثار قرائات را معتبر و مجزی دانسته‌اند، در حالی که در برخی دیگر از آثار، قرائات را از اساس بی اعتبار معرفی کرده‌اند. این دوگانگی به سه شیوه قابل جمع است، نخست اینکه معتبر بودن قرائات اشاره به قرائات سبع باشد و بی اعتبار بودن قرائات مربوط به سایر قرائات باشد، دوم اینکه مجزی بودن قرائات تنها مربوط به مسئله قرائت نماز است و در غیر آن، قرائات هیچ ارزش و اعتباری ندارد. سوم اینکه نظر امام علیه السلام در ابتدا مبنی بر بی اعتبار بودن قرائات بود که پس از مدتی تغییر کرد و اجمالاً قرائات را معتبر دانستند. پس از بررسی این سه جمع روشن شد که وجه سوم برای این جمع مناسب تر است، با تمام این تفاسیل حضرت امام علیه السلام بهترین قرائات را همین قرائت مشهور و رایج یعنی روایت حفص از عاصم می دانند.

واژگان کلیدی: قرآن، امام خمینی علیه السلام، قرائات سبع (هفتگانه)، جواز، حجیت، اعتبارسنجی

* . تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۵/۲۲.

** . استاد جامعه المصطفی العالمیه: M_faker@miu.ac.ir

*** . دانش آموخته دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): smujtabarizvi@yahoo.com

طرح مسئله

یکی از موضوعات مهم قرآنی بحث مربوط به قرائات است که از جهات متعدد قابل بحث و بررسی می‌باشد. برخی از موضوعات مربوط به آن جنبه عملی و مهارتی دارد و برخی دیگر دارای جوانب علمی است. از زیر شاخه‌های این بحث تعدد قرائات است که از صدر اسلام جریان داشته است. از میان قرائات متعددی که در کتب مربوط ضبط شده، هفت قرائت شهرت و رواج بیشتری یافتند. حال این پرسش مطرح است که آیا این قرائات مجزی هستند و کسی که در نماز مطابق یکی از آنها قرائت کند، نمازش صحیح است یا تنها یک قرائت اعتبار دارد؟ از طرفی حکم برداشت فقهی و استنباط حکم شرعی از قرائات متعدد چیست؟ علمای اسلام، به‌ویژه فقهای شیعی نظریه‌های متعددی در این زمینه مطرح کرده‌اند. این مقاله در صدد بررسی دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله در این زمینه است. با توجه به محدودیت این نوشتار از ذکر مبانی، دلایل و همچنین از بیان دیدگاه استدلالی سایر اندیشمندان در این زمینه صرف نظر می‌شود.

مفهوم‌شناسی

قرائت در لغت

قرائت از ریشه «قرأ» به معنای خواندن است. در کتاب «العین» تصریح شده است که واژه «قرائت» در مورد شعر یا حدیث، زمانی به کار می‌رود که خواندن از روی نوشته باشد (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰ق: ۵/ ۲۰۴).

راغب اصفهانی هم معنای قرائت را جمع کردن و ضمیمه کردن حروف و کلمات دانسته است و تصریح دارد که هر جمع کردنی را قرأ نمی‌گویند و تلفظ یک حرف به تنهایی را نیز قرائت نمی‌گویند (اصفهانی، المفردات فی غریب ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ۶۶۹).

جوهری هم آن را به معنای جمع دانسته و از ابوعبیده نقل می‌کند که «علت نام‌گذاری قرآن آن است که سوره‌های متعدد را در خود جمع کرده و در بردارد» (جوهری، معجم الصحاح، ۱۴۲۹ق: ۸۴۵). ابن منظور نیز نظر جوهری را ذکر کرده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۱۲۸).

قرائت در اصطلاح

زرکشی قرائات را این گونه تعریف می‌کند که عبارت است از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی در کتابت یا کیفیت حروف مثل تخفیف و تثقیل و امثال آن که از سوی قراء نقل شده است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۴۶۵)؛ به عبارت دیگر، زرکشی قرائات را در مورد کلمات دارای اختلاف می‌داند. در مقابل، افرادی مثل ابن جزری دایرة قرائات را وسیع‌تر گرفته‌اند. وی در تعریف قرائات می‌گوید: قرائات، علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف در آن است که به ناقل آن منسوب می‌باشد (ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۴۲۸ق: ۱۹).

دمیاطی تعریف قرائات را بدین صورت بیان کرده است: قرائات عبارت است از علمی که از طریق آن اتفاق و اختلاف ناقلان کتاب الهی در حذف، اثبات، حرکات، سکونات و سایر مواردی که مربوط به چگونگی تلفظ یا ابدال حروف است، از طریق شنیدن معلوم می‌شود (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الأربعة عشر، ۱۴۲۲ق: ۶).

دکتر محمد سالم محیسن از معاصران می‌نویسد: علم به کیفیت ادای کلمات قرآن کریم از تخفیف و تشدید و اختلاف الفاظ وحی در حروف را قرائت گویند (محیسن، المغنی فی توجیه القرائات العشر، ۱۴۱۳ق: ۱/ ۴۵).

با بررسی تعاریفی که برای قرائات شده چنین استفاده می‌شود که علم قرائات متولی بحث از کیفیت تلفظ کلمات قرآن است که از ناحیه قاریان معروف قرآن به ما رسیده است.

اعتبارسنجی در لغت

اصل این واژه که از زبان عربی گرفته شده است، به لحاظ ساختاری مصدر باب افتعال از ماده «عبر» است. این واژه در زبان عربی به چند معنا آمده است:

«عبر» به معنای گذشتن و عبور کردن از نهر و مانند آن می‌آید. «تعبیر» به معنای تفسیر و توضیح خواب است و «عبره» به معنای اشک است (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۱۲۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۵۲۹).

«عبر الکتاب» به معنای خواندن کتاب و تدبر در آن است بدون اینکه صدای خواندن آن شنیده شود (جوهری، معجم الصحاح، ۱۴۲۹ق: ۶۶۵). گروه دیگری از اهل لغت معتقدند عبر به معنای نگاه کردن به کتاب است قبل از اینکه شروع به خواندن آن شود (حمیری، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، ۱۴۲۰ق: ۷/ ۴۳۴۳).

طبق گفته ابن فارس معنای اصلی این واژه نفوذ و گذشتن از چیزی است (رازی، معجم مقائیس اللغة، ۱۴۰۴ق: ۴/ ۲۰۷) و راغب اصفهانی آن را تجاوز از یک حالت به حالتی دیگر بیان می‌کند (اصفهانی، المفردات فی غریب ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ۵۴۳).

«اعتبار» به معنای عبرت گرفتن از چیزی است، گویا انسان بعد از دیدن یک شیء و پی بردن به عاقبت آن، وضع خود را با آن می‌سنجد و این دو را یکسان به حساب می‌آورد (رازی، معجم مقائیس اللغة، ۱۴۰۴ق: ۴/ ۲۰۷). راغب می‌نویسد: اعتبار این است که انسان با شناخت دیده‌ها به نادیده‌ها پی ببرد (اصفهانی، المفردات فی غریب ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق: ۵۴۳). ابن منظور اعتبار را با کلماتی مانند تعجب، تدبر، مقایسه و پندگیری معنا کرده است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۵۳۱). اعتبار به معنای امتحان و آزمایش هم به کار می‌رود (همان).

اعتبار به معنای نزدیک به معنای مورد نظر در بحث اعتبارسنجی قرائات را می‌توان در کتاب «مجمع البحرین» ملاحظه کرد که در آن آمده است: معتبر به معنای این است که چیزی به وسیله چیز دیگری استدلال شود (طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶ق: ۳/ ۳۹۳). البته پیش از او جوهری عبارتی آورده که معنای آن به نوعی با معنای امروزی اعتبار سازگاری دارد. او می‌نویسد: «لغة عابرة ای جائزة»؛ لغت عابره یعنی لغت جایز (جوهری، معجم الصحاح، ۱۴۲۹ق: ۶۶۵).

درباره معنای «اعتبارسنجی» در زبان فارسی باید گفت که این ترکیب مرکب از دو بخش «اعتبار» و «سنجی» است. طبق گفته دهخدا اعتبار در لغت به معنای قول، اعتماد، اطمینان، آبرو، قدر، منزلت، ارزش و ... است (دهخدا، لغتنامه، ۱۳۷۷: ۲/ ۲۹۰۲) و پسوند «سنجی» که برگرفته از ریشه «سنجیدن» است، به معنای وزن کردن چیزی با ترازو و جز آن، برابر کردن، مقایسه کردن، آزمودن، امتحان کردن، تجربه کردن، رسیدگی کردن و ... می‌آید (همان، ۱۳۷۸۴/ ۹)؛ بنابراین، اعتبارسنجی در لغت به معنای سنجش و آزمودن ارزش و منزلت چیزی است.

معنای اصطلاحی اعتبار قرائات

معنای اصطلاحی اعتبار قرائات، حجیت داشتن قرائات است که حجیت بر دو رکن استوار است:

۱- منجزیت: شخص مکلف وقتی دلیل شرعی بر ثبوت حکمی داشته باشد، تکلیف بر وی قطعی و منجز می‌شود و اگر با آن مخالفت کند، مستحق عقاب الهی می‌گردد.

۲- معذرت: انسان اگر بر اساس دلیل شرعی به تکالیف خود عمل کند و در عالم واقع، این عمل مخالف امر الهی باشد و در نتیجه عمل به قطع در ورطه مخالفت با مولا قرار گیرد، مستحق عقاب نمی‌شود؛ زیرا برای عمل خلاف خود عذر موجهی داشته است (ر.ک: حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ۱۴۱۸ق: ۲۲؛ صدر، دروس فی علم الاصول، ۱۴۰۵ق: ۳/ ۳۳) این مطلب را بسیاری از علمای اصول بیان کرده‌اند و می‌توان گفت از مسلمات علم اصول است.

بنابراین حجیت قرائات یعنی «منجز و معذر بودن قرائات» که خود دارای آثاری است. برخی از بزرگان از جمله آیت الله خویی معتقدند اثر حجیت قرائات تنها «صلاحیت داشتن قرائات برای قرار گرفتن در مسیر استنباط احکام شرعی» است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق: ۱۶۳)، بر این اساس، هر قرائتی که حجت باشد، می‌تواند پشتوانه احکام شرعی قرار گیرد و هر قرائتی که حجت نباشد، فاقد چنین ویژگی است.

طبق این معنا حجیت فقط مربوط به استنباط حکم شرعی خواهد بود و مسائل دیگر از جمله جواز قرائت در نماز و غیر آن ربطی به حجیت ندارد؛ از این رو، بسیاری از صاحب نظران که این مبنا را داشتند، حجیت قرائات را رد کرده‌اند، درحالی که فتوا به جواز قرائت مطابق قرائات متعدد در نماز داده‌اند.

نکته‌ای دیگر که باید به آن توجه داشت، معنای اصطلاحی حجت است. حجت چیزی است که عبد بتواند به وسیله آن نزد مولا احتجاج کند و مولا عذر او را بپذیرد. این چیزی است که به معذرت مشهور است و یکی از ارکان حجت است.

بر این اساس قرائتی که عبد موظف یا مجاز است در نماز ادا کند نیز باید به گونه‌ای باشد که مورد مؤاخذه قرار نگیرد و دلیلی بر جواز قرائتش داشته باشد؛ از این رو، جواز خواندن در نماز هم می‌تواند از آثار حجیت قرائات باشد.

طبق این مبنا حجیت قرائات آثار گسترده‌تری دارد و شامل مباحثی مانند استنباط حکم، برداشت تفسیری، خواندن در نماز و جز آن می‌شود. عده‌ای از علما راجع به حجیت قرائات همین نظر را دارند (معرفت، تاریخ قرآن، ۱۳۸۲: ۱۵۰؛ صدر، ما وراء الفقه، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۲۸۴؛ سیفی مازندرانی، دروس تمهیدیه فی القواعد التفسیریة، ۱۴۲۸ق: ۶۱).

در بررسی این دو مبنا می‌توان چنین گفت که اگرچه برخی از علمای اصول در مفهوم حجیت قابلیت داشتن برای قرار گیری در استنباط احکام را مطرح کرده‌اند، اما از این نکته نباید غفلت کرد که بسیاری از اصطلاحات در مواقع خاصی و در ترکیب با اصطلاحات خاصی دچار نوعی تغییر در مفهوم می‌شوند و اصطلاح حجیت نیز از همین قبیل است؛ همان‌گونه که ملاصدرا تصریح کرده است معنای حجیت در کاربردهای مختلف معانی متعددی دارد (شیرازی، شرح اصول کافی، ۱۳۸۳: ۲۷/۱)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مبناي دوم صحیح‌تر باشد.

پیشینه بحث

قرائت قرآن پیشینه‌ای همزاد با وحی دارد. قرآن در چندین آیه صریحاً یکی از وظایف رسول خدا ﷺ را تلاوت آیات الهی بر می‌شمارد. بر همین اساس و با گواهی تاریخ، نخستین قاری قرآن شخص گرامی رسول خدا ﷺ می‌باشد. قطعاً رسول خدا ﷺ به تأسی از وحی تنها یک قرائت داشته است. البته بنابر دلایل متعددی که بیان آن از حوصله این نوشتار خارج است، در عصر پیامبر ﷺ تفاوت‌هایی در نحوه قرائت اصحاب ایشان پدید آمده بود. برخی از گزارشات حاکی از تقریر و تأیید قرائت تعدادی از صحابه توسط رسول خدا ﷺ است. به هر روی، با گذشت زمان دامنه این اختلافات رو به گسترش نهاد و در عصر معصومان (علیهم‌السلام) نیز کم و بیش تعدادی از قرائات در سرزمین‌های اسلامی رواج داشته است. در آغاز قرن چهارم تعداد این قرائت‌ها توسط ابن مجاهد به هفت قرائت که در مقایسه سایر قرائات اعتبار و رواج بیشتری داشتند، محدود شد. اندیشمندان اسلامی گفت‌وگوهای گسترده‌ای درباره ارزش و اعتبار و جایگاه این قرائات داشته‌اند. عموم دانشمندان اهل سنت طبق مبانی خود از جمله احادیث نزول قرآن بر هفت حرف، قرائت‌های هفت‌گانه و حتی ده‌گانه را معتبر و متواتر و عنایتی از ناحیه خدا می‌دانند. فقهای امامیه نیز در این زمینه مباحث دقیق و عمیقی بیان داشته‌اند؛ اگرچه اسطوره نزول قرآن بر هفت حرف نزد اندیشمندان امامیه جایگاهی ندارد، با وجود این، عده قریب به اتفاق آنان قرائت‌های هفت‌گانه را مجزی و معتبر می‌دانند. شیخ طوسی رحمته‌الله قرائات سبع را مجزی دانسته و آن را مطابق اجماع بیان کرده است (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۹ق: ۷/۱)، شهید اول و شهید ثانی نیز قرائت‌های ده‌گانه را معتبر، بلکه متواتر قلمداد کرده‌اند (شهید اول، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، ۱۴۱۹ق: ۳/۳۰۵؛ شهید ثانی، المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفیة، ۱۴۲۰ق: ۲۴۴). علامه حلی در

مورد قرائت‌های هفت‌گانه همین نظر را دارد (حلی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۴۱۲ق: ۵/ ۶۴)، علامه مجلسی (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق: ۸۲/ ۶۵)، شیخ بهائی (بهائی، الاثنا عشریه، ۱۴۰۹ق: ۲۷)، شیخ انصاری (انصاری، کتاب الصلاة، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۳۶۲)، صاحب جواهر (نجفی، الرسائل الفقہیہ، بی‌تا: ۱۰۴)، آیت الله حکیم (حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴۰۴ق: ۶/ ۲۴۵)، آیت الله خویی (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق: ۱۶۷) و دیگر ژرف اندیشان نیز در این باره نقطه نظرهای جالب و قابل ملاحظه‌ای بیان کرده‌اند. مقدس اردبیلی (اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۱۴۰۳ق: ۲/ ۲۱۷)، آقا رضا همدانی (همدانی، مصباح الفقیه، ۱۴۱۶ق: ۱۲/ ۱۱۸)، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (اصفهانی، وسیلة الوصول الی حقائق الاصول، ۱۴۱۹ق: ۴۸۵)، آیت الله حائری (حائری، کتاب الصلاة، ۱۳۶۲: ۲۰۵) و آیت الله بروجردی (بروجردی، نهاییه الاصول، ۱۴۱۵ق: ۴۸۲) خواندن نماز طبق قرائت‌های هفت‌گانه را صحیح بیان کرده‌اند. در مقابل، گروهی از جمله علامه عسکری (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۱۶ق: ۲/ ۲۶۵)، علامه معرفت (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵ق: ۲/ ۵۹) تعدد قراءات را نامعتبر دانسته و تنها قرائت متداول و متواتر فعلی را قابل قبول و معتبر می‌دانند. امام خمینی رحمته الله علیه فقیه نظریه پرداز و دانشمند ژرف نگر نیز در این باره نقطه نظرهای ارزشمندی دارد که هم برای مقلدان ایشان جنبه عملی دارد و هم برای پژوهش‌گران جنبه علمی دارد. موضوع این نوشتار نیز بررسی ارزش و اعتبار قراءات از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه است.

دیدگاه حضرت امام خمینی رحمته الله علیه درباره قراءات سبع

در آثار حضرت امام رحمته الله علیه دو نوع موضع‌گیری و قضاوت درباره قراءات قرآن دیده می‌شود. در برخی از آثار امام رحمته الله علیه قراءات را معتبر دانسته و قراءات نماز مطابق آن را جایز شمرده‌اند و در برخی دیگر قراءات نامعتبر و غیر قابل استناد معرفی شده است.

۴۵

دیدگاه نخست: معتبر و مجزی بودن قراءات

امام خمینی رحمته الله علیه مطابقت قرائت در نماز با یکی از قراء سبعه را موافق احتیاط می‌دانند. این مطلب در چند جای آثار ایشان بیان شده است. ایشان در ابتدا می‌نویسد: احتیاط آن است که از یکی از قراءت‌های هفت‌گانه، تخلف ننماید، همچنان که احتیاط آن است که از آن قرائتی

که در قرآن کریم و در میان مسلمانان است، تخلف ننماید؛ هر چند تخلف در بعضی از کلمات مثل «ملک يوم الدين» و «كُفُواً اِحد» ضرری نمی‌رساند، بلکه بعید نیست که قرائت طبق یکی از قرائت‌ها جایز باشد (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

پس از آن در ادامه بیان می‌کند که در قرائت آیه چهارم سوره حمد قرائت «مالک» و «ملک» هر دو صحیح است؛ اگرچه بعید نیست که قرائت «مالک» ترجیح داشته باشد، همان گونه که واژه «صراط» را با سین نیز می‌توان خواند گرچه با صاد بهتر است. در سوره توحید نیز واژه «كُفُواً» را به چهار وجه می‌توان خواند: بدین صورت که حرف فاء یا ساکن باشد یا مضموم و حرف بعدی به صورت همزه تلفظ شود یا واو که مجموعاً چهار وجه می‌شود: «كُفُواً—كُفُواً—كُفُواً—كُفُواً». البته طبق نظر امام علیه السلام بعید نیست که وجه اول «كُفُواً» ارجح باشد (همان). مشابه همین مطلب در حاشیه امام علیه السلام بر «وسيلة النجاة» نیز آمده است (خمینی، وسیلة النجاة مع التعالیق، بی تا: ۱۵۲).

همچنین امام علیه السلام در تعلیقه خود بر عروة الوثقی همین نظر را بیان کرده است. صاحب عروه در بحث قرائت چنین می‌نگارد: احوط این است که مطابق یکی از قرائات هفت‌گانه قرائت شود. اگرچه اقوی عدم وجوب آن است، بلکه هر قرائتی که بر اساس اصول و قواعد زبان عربی صحیح باشد، کفایت می‌کند؛ گرچه در حرکات و اعراب مخالف قرائات هفت‌گانه باشد (طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۱۹ق: ۲/ ۵۱۹).

امام علیه السلام در تعلیقه خود بر مسئله مزبور می‌نویسد: احتیاط مطابقت قرائت با یکی از قرائات هفت‌گانه نباید ترک شود (خمینی، التعلیقة على العروة الوثقی، ۱۳۸۶: ۳۵۳). ایشان با این بیان به صورت ضمنی قوی بودن کفایت قرائت بر اساس قواعد عربی را رد می‌کند.

سید یزدی در مسئله دیگر از مسائل قرائت می‌نویسد در قرائت سوره توحید اگر بر آیه «قل هو الله احد» وقف نشود و قاری بخواهد آن را به آیه بعد وصل کند، دو وجه جایز است؛ یکی حذف تنوین و دوم مکسور خواندن تنوین (طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۱۹ق: ۲/ ۵۲۰).

امام علیه السلام در تعلیقه خود می‌نویسد: احوط این است که قرائت اول (حذف تنوین) ترک شود (خمینی، التعلیقة على العروة الوثقی، ۱۳۸۶: ۳۵۴). لازم به ذکر است این گونه خواندن با حذف نون در قرائت قاریان هفت‌گانه و حتی ده‌گانه و چهارده‌گانه نیز دیده نمی‌شود، بلکه تنها در برخی از اخبار آحاد و مرسل به تعدادی از صحابه و تابعان نسبت داده شده است (ر.ک: الخطیب، معجم القرائات، ۱۴۲۲ق: ۱۰/ ۶۳۷).

در مسئله دیگر از مسائل قرائت در عروۃ الوثقی آمده است که هر دو قرائت «مالک» و «ملک» جایز است و کلمه «صراط» را علاوه بر صاد با سین نیز می‌توان خواند (طباطبایی یزدی، العروۃ الوثقی، ۱۴۱۹ق: ۵۲۰/۲).

امام رحمته الله می‌فرماید: احوط این است که قرائت با صاد باشد اگرچه جواز قرائت «سراط» با سین نیز بعید نیست و بهتر و احوط این است که قرائت حمد و توحید مطابق قرائت مشهور میان عموم مردم و مکتوب در مصحف باشد (خمینی، التعلیقه علی العروۃ الوثقی، ۱۳۸۶: ۳۵۴). این تعبیر نشان دهنده این است که امام رحمته الله قرائات سبع را معتبر و خواندن نماز مطابق آن را جایز و مجزی می‌داند.

دیدگاه دوم: بی‌اعتبار بودن قرائات

امام خمینی رحمته الله در برخی از آثار و درس‌های خویش، قرائات را زیر سؤال برده و آن را فاقد اعتبار و حجیت معرفی کرده‌اند. ایشان در درس خارج اصول ذیل حجیت ظواهر الفاظ، بحثی تحت عنوان تواتر قرائات را مطرح کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: اگر مراد از تواتر قرائات تواتر قرائات از قراء باشد که نفعی ندارد (یعنی صرف متواتر بودن یک قرائت از قاری نمی‌تواند دلیلی بر اعتبار آن قرائت باشد؛ زیرا آنچه حجیت دارد، قول یا تقریر معصوم است) و اگر مراد از تواتر قرائات تواتر آن از پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، اصلاً قابل اثبات نیست، و روایاتی که دلالت دارد بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله هر گونه قرائتی را تجویز فرموده‌اند مگر اینکه آیه رحمت تبدیل به آیه عذاب شود، نیز بطلانش روشن است و اصلاً نمی‌توان به آن ملتزم شد. همین طور روایات نزول قرآن بر هفت حرف نیز غیر قابل قبول و معارض با اخباری است که دلالت بر وحدت نزول قرآن دارد. علاوه بر این، کسانی که روایات نزول قرآن بر هفت حرف را قبول دارند نیز در معنای آن دچار اختلاف شده‌اند و نزدیک به چهل قول در این باره بیان نموده‌اند (تقوی اشتهازدی، تنقیح الاصول، ۱۳۸۵: ۱۳۴/۳).

بر اساس تقریری که از درس خارج امام خمینی رحمته الله توسط یکی از شاگردان ایشان به رشته تحریر درآمده است، ایشان در ادامه درس درباره جواز قرائات می‌فرمایند: در بحث جواز قرائات حق این است که تنها قرائتی که اکنون در دست ماست و مسلمانان دست به دست و سینه به سینه از نسل‌های قبل گرفته‌اند، قابل خواندن است، و این از اموری است که ضرورت قطعی دلالت بر آن دارد؛ مانند اینکه نماز مغرب سه رکعت است. بر همین اساس

هر قرآنی که در هر مکان و زمانی دیده شده، بر همین قرائت استوار بوده است، و این همان قرآنی است که به زمان نبی اکرم ﷺ می‌رسد حتی کسانی که قرائت دیگری داشتند نیز همین قرآن را داشتند. پس دلیل ما بر منحصر بودن قرائت به همین قرائت مشهور [روایت حفص از عاصم] ضرورت قطعی است که از تواتر بالاتر است و تواتر به یک دهم آن هم محقق می‌شود، و غیر از این قرائت، خواندن دیگر قرائات جایز نیست؛ زیرا نمی‌توان به قرائت سایر قراء اعتماد کرد، زیرا آنان در قرائت‌شان به استحسانات و اجتهادات لغوی و نحوی استناد می‌کردند. علاوه بر این گاهی اختلاف قرائت موجب اختلاف در معنا و مفهوم کلام می‌شود؛ مانند قرائت آیه ۲۲۲ سوره بقره که فعل «يَطْهَرْنَ» بدون تشدید با قرائت «يَطْهَرْنَ» با دو تشدید از حیث معنا با هم تفاوت دارند. دلیل ما بر این سخن روایات نیست که گفته شود قرائت «مالک» و «ملک» هر دو جایز است یا اینکه «کفو» را می‌توان هم با واو خواند و هم با همزه؛ زیرا قرائت «ملک» (بدون الف) یا قرائت «کفو» با همزه جایز نیست، زیرا این گونه در قرآن ثبت نشده است (تقوی اشتهاردی، تنقیح الاصول، ۱۳۸۵: ۱۳/۳).

مرحوم امام جعفرین همین نظر را در کتاب الطهارة نیز بیان کرده‌اند. ایشان پس از بحث‌های فقهی طولانی راجع به واژه «یطهرن» ضمن ترجیح قرائت «يَطْهَرْنَ» - بدون تشدید - بر قرائت «يَطْهَرْنَ» - با تشدید - می‌نویسد: ترجیح داشتن قرائت «يَطْهَرْنَ» بدون تشدید بر قرائت «يَطْهَرْنَ» با دو تشدید نزد صاحبان فهم مانند آتشی بر قله کوه روشن و واضح است؛ زیرا قرآنی که اکنون در دست ماست نه تنها قرآن متواتر بلکه هزاران برابر فوق حد تواتر است؛ زیرا هر طبقه و گروهی از مسلمانان قرآن را به همین ماده و هیئت از طبقه و نسل قبل گرفته است. همین روند تا صدر اسلام بوده است و کمتر چیزی در عالم مانند قرآن در این حد قرار دارد و این قرائات هفت‌گانه و ده‌گانه هیچ‌گاه نتوانستند آسیبی به کرامت قرآن وارد سازند و مسلمانان به این قرائات و قاریانشان هیچ عنایت و توجهی نداشته‌اند؛ مثلاً سوره حمد که میلیون‌ها نفر از مسلمانان همواره صبح و شب در نمازشان این سوره را می‌خوانند، هر نسلی آن را از نسل قبلی فراگرفته و برای آنان خوانده و از آنان شنیده است تا زمان وحی، اما گاهی دیده می‌شود که قراء این سوره را به طرق گوناگون می‌خوانند و با این وجود سوره حمد به همان کیفیت خود باقی است و دست‌اندازی‌های قراء هیچ ضرری به کرامت آن نزده است و این خود بهترین دلیل بر عدم تواتر قرائات از پیامبر ﷺ است که برخی ادعا کرده‌اند.

حدیثی را که هم گروهی نادان و گمراه در تأیید جعل کردند، از سوی اولیای عصمت و اهل بیت وحی علیهم السلام تکذیب شده است. علاوه بر همه اینها براساس گزارشات هر یک از قراء برای به کرسی نشاندن قرائتش به توجیهات و ترجیحات ادبی تمسک بسته است و دیگر قرائات را باطل شمرده است. من گمان می‌کنم از آنجا که بازار قرائات در آن دوره‌ها گرم بوده است، هر کسی وارد آن شد تا کالای خود را عرضه کند، در حالی که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله از این امور مبرا هستند؛ بنابر این، آنچه از قرآن متواتر است همان قرآن موجود نزد مسلمانان است که معتبر و حجت است، اما سایر قرائات تنها ادعاها و خرافات و ظلمات است که خدا کتابش را از آنها حفظ کرده است و چه حفظی بالاتر از اینکه در تمام دنیا حتی در دوردس‌ترین مناطق کفر هم همان قرآنی یافت می‌شود که در قلب امت اسلام است و هیچ گونه تفاوتی میان آن نیست (خمینی، کتاب الطهارة، ۱۳۸۵: ۲۵۰/۱)

روشن است که این تعبیر تند می‌رساند که در نظر امام خمینی رحمته الله علیه قرائات متعدد هیچ ارزش و اعتباری ندارد.

وجه جمع میان این دو دیدگاه

با نگاهی به کلمات مرحوم امام رحمته الله علیه روشن می‌شود که یک نوع دوگانگی در کلام ایشان به چشم می‌خورد، اما باید با بررسی دقیق‌تر دید که نظر امام رحمته الله علیه درباره قرائات هفت‌گانه قرآن چیست؟ آیا این قرائات معتبرند و می‌توان مطابق آن نماز خواند یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و تبیین نظر جامع امام رحمته الله علیه سه راهکار می‌توان ارائه کرد.

یک) تفاوت بین قرائات سبع و سایر قرائات

یک جواب بدوی می‌تواند این باشد که دیدگاه مرحوم امام رحمته الله علیه درباره قرائات سبع متفاوت از دیگر قرائات است؛ یعنی امام رحمته الله علیه قرائات سبع را معتبر می‌دانند و سایر قرائات اعم از قرائات ده‌گانه، چهارده‌گانه یا قرائات شاذ را نامعتبر می‌دانند. شاهد این جمع آن است که امام رحمته الله علیه در تحریر الوسیلة می‌نویسد: نباید از قرائات سبع تجاوز کرد (خمینی، تحریر الوسیلة، ۱۳۸۴: ۱۳۴). اگر این سخن امام رحمته الله علیه را در کنار سخن دیگرشان مبنی بر بی‌اعتباری قرائات قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که قرائات دیگر معتبر نیست.

دو) تفاوت میان قرائت در نماز و استنباط حکم

وجه جمع دوم این است که بین قرائت در نماز و استنباط حکم تفاوت قائل شد؛ زیرا همان گونه که در بحث مفهوم‌شناسی اشاره شد، برخی از بزرگان مانند آیت الله خویی بحث حجیت قرائات در استنباط احکام شرعی را انکار کرده‌اند، در حالی که در مقام فتوا حکم به جواز قرائت طبق قرائت‌های هفت‌گانه داده‌اند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق: ۱۶۳).

بر این اساس امام رحمه الله در مقام بیان حکم قرائت نماز می‌فرماید: می‌توان در نماز از قرائات سبع استفاده کرد، همان گونه که در حاشیه ایشان بر عروه و کتاب تحریر الوسيلة بیان فرموده‌اند، اما قرائات دیگر غیر از همین قرائت مشهور (قرائت حفص از عاصم) نمی‌تواند منبع استنباط حکم شرعی قرار گیرند و به اصطلاح علمای اصول حجیت ندارند. شاهد این جمع آن است که امام رحمه الله در مقام بیان حکم قرائت نمازگزار جواز خواندن قرائات هفت‌گانه را بیان فرموده‌اند، اما در مقام بیان حجیت قرائات در درس خارج اصول و همچنین در بحث استنباط حکم از دو قرائت در کلمه «یطهرن» حجیت قرائات را رد کرده‌اند، چنانچه پیش‌تر اشاره شد.

سه) تفاوت میان نظر سابق و نظر لاحق امام رحمه الله

سومین وجه می‌تواند این باشد که برای حضرت امام رحمه الله در این موضوع تبدل رأی حاصل شده است؛ یعنی ایشان ابتدا قائل به عدم حجیت قرائات بودند و اعتبار قرائات را انکار کردند و سپس در این زمینه تجدید نظر کرده و جواز خواندن قرائات را مطرح نمودند. مؤید این جمع زمان نگارش آثارشان است. ایشان در درس خارج اصول که طی سال‌های ۱۳۳۱ش تا ۱۳۴۰ش در شهر مقدس قم ایراد فرموده و توسط آیت الله تقوی اشتهاردی تقریر و به نگارش در آمده است، حجیت قرائات را انکار کرده است. همچنین در کتاب الطهارة که به قلم خود امام رحمه الله بین سال‌های ۱۳۳۲ش و ۱۳۳۷ش نوشته شده است، قرائات را نامعتبر و خرافه دانسته‌اند، اما در کتاب‌هایی که بعدها نوشته‌اند، قرائات سبع را جایز دانسته‌اند، همان گونه که در کتاب ارزشمند تحریر الوسيلة که به تصریح خودشان آن را پس از تبعید در سال ۱۳۴۳ش در ترکیه نگاشتند (خمینی، تحریر الوسيلة، ۱۳۸۴: ۷)، به این مسئله پرداخته‌اند.

بررسی و تحلیل

به نظر می‌رسد از میان این سه وجه جمع، وجه سوم مناسب‌تر باشد؛ زیرا وجه جمع اول از جهاتی قابل نقد است؛ زیرا امام علیه السلام در جایی که قرائات را جایز دانسته‌اند، برخی از قرائات را ذکر کرده‌اند که خارج از قرائات سبع است، از جمله در مسئله پانزدهم از مسائل قرائت نماز کتاب *تحریر الوسيلة* قرائت کلمه «کفو» را به چهار روش جایز دانسته‌اند از جمله «کُفُوا» به سکون فاء که جزو قرائات سبع و عشر نیست (خمینی، *تحریر الوسيلة*، ۱۳۸۴: ۱۳۴). علاوه بر این، امام علیه السلام در جایی که قرائات را رد می‌کنند نیز به تمام قرائات سبع و غیر سبع بجز قرائت مشهور و متواتر کنونی (روایت حفص از عاصم) اشاره می‌کند؛ برای مثال، امام علیه السلام در کتاب *الطهارة* قرائت «يَطْهَرْنَ» را رد می‌کند، در حالی که دست کم دو نفر از قراء هفت‌گانه حمزه و کسائی آن را این گونه خوانده‌اند (طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۳۷۲: ۲/ ۵۶۱). ضمن اینکه امام علیه السلام در درس خارج اصول خویش دلیلی که بر عدم حجیت و عدم جواز قرائات بیان کرده‌اند، فقدان تواتر در آنهاست (تقوی اشتهاردی، *تنقیح الاصول*، ۱۳۸۵: ۱۳۴/۳) و این مخصوص قرائات غیر سبع نیست؛ زیرا بنابر رأی مشهور و دلایل محکم، قرائات سبع نیز فاقد تواتر متصل به معصوم علیه السلام هستند و با این حساب قرائات سبع نیز نامعتبر خواهند بود؛ از این رو، نمی‌توان گفتار امام علیه السلام در معتبر و نامعتبر بودن قرائات را به قرائات سبع و غیر آن تفسیر کرد.

اما وجه جمع دوم اگرچه تاحدودی قابل قبول است، اما چنین وجه جمعی نیز با برخی از کلمات امام علیه السلام سازگاری ندارد؛ برای مثال، امام علیه السلام در مقام رد قرائات نه تنها استنباط حکم از قرائات را نفی می‌کند بلکه جواز خواندن قرائات را نیز زیر سؤال می‌برد و جواز خواندن را منحصر در قرائت متواتر [روایت حفص از عاصم] می‌کند (تقوی اشتهاردی، *تنقیح الاصول*، ۱۳۸۵: ۳/ ۱۳۴). از طرفی حضرت امام علیه السلام در برخی از آثارشان به قرائتی غیر از قرائت مشهور [روایت حفص] اشاره کرده‌اند و دست کم به صورت احتمال به آن توجه داده و بر اساس آن استدلال کرده‌اند (ر.ک: تقوی اشتهاردی، *تنقیح الاصول*، ۱۳۸۵: ۳/ ۵۹۰؛ خمینی، *بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر*، ۱۳۸۷: ۶۸؛ سبحانی، *تهذیب الاصول*، ۱۳۸۷: ۳/ ۴۹۵؛ فاضل لنکرانی، کتاب *الطهارة*، ۱۳۸۶: ۴۹۳). پس به طور مطلق نمی‌توان گفت که هر جا امام علیه السلام قرائات را نفی کرده، فقط استنباط فقهی مد نظر ایشان بوده است و هر جا قرائات را معتبر دانسته، تنها خواندن نماز مد نظر ایشان بوده است.

با تمام این تفصیل تنها وجه درستی که می‌ماند همان وجه سوم است که بگوییم برای حضرت امام علیه السلام در این زمینه تبدیل رأی رخ داده است؛ چرا که در ابتدا برداشت فقهی و حتی خواندن هیچ قرائتی (غیر از همان قرائات متداول میان مسلمانان) را جایز نمی‌دانستند، اما پس از مدتی قائل به جواز قرائت به قرائات سبع شدند. البته ناگفته نماند که در جایی که خواندن هفت قرائت مشهور را جایز دانسته‌اند نیز قرائت مشهور و متداول یعنی روایت حفص از عاصم را ترجیح داده‌اند بدون اینکه تصریحی به نام قاری یا راوی کرده باشند. چنان که در *تحریر الوسيلة* این ترجیح مشهود است (خمینی، *تحریر الوسيلة*، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

نتیجه‌گیری

با بررسی آثار مرحوم امام خمینی علیه السلام به دست آمد که ایشان در برخی از آثارشان تمام قرائات غیر از قرائت متداول فعلی را نامعتبر دانسته‌اند و در برخی از آثار اکتفا به قرائات سبع و عدم استفاده از دیگر قرائات را موافق احتیاط دانسته‌اند. در مقام جمع این دو تعبیر چنین به دست آمد که حضرت امام علیه السلام در این باره نظر دیگری را برگزیده‌اند و با بررسی تاریخ نگارش آثارشان روشن می‌شود که نظر اخیرشان به صورت اجمالی تأیید قرائات سبع می‌باشد؛ هر چند ایشان قرائت متداول فعلی را که مطابق با روایت حفص از قرائت عاصم است، ارجح بر تمام قرائات می‌دانند؛ بنابراین، بهتر است تا جای ممکن به این قرائت اکتفا شود. این دیدگاه امام خمینی علیه السلام مطابقت دارد با دیدگاه بیشتر علماء و فقهاء امامیه که قرائات سبع را در نماز مجزی می‌دانند. همچنین روایت حفص را بهترین قرائت دانسته‌اند و ظاهراً نظر درست نیز همین است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه، مؤسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۳ ش.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، دمشق: دار الکلم الطیب، ۱۴۲۸ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۴. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۵. اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیلة الوصول الى حقائق الاصول، تقرير: میرزا حسن سیادتى سبزوارى، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب الصلاة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۷. بروجردی طباطبائی، حسین، نهاية الاصول، تقرير حسين علي منتظري، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵ ق.
۸. بهائی عاملی، محمد بن حسین بن عبدالصمد، الاثنا عشرية فى الصلاة اليومية، تحقيق محمد حسون، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ۱۴۰۹ ق.
۹. تقوى اشتهاردی، حسین، تنقيح الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، معجم الصحاح، بیروت: دار المعرفة، چاپ سوم، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. حائری، عبدالکریم، کتاب الصلاة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۲. حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: منشورات مكتبة آيت الله المرعشى النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. حکیم، محمد تقی، الاصول العامة للفقہ المقارن، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ ق.

۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۱۵. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دار الفكر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۱۶. الخطیب، عبداللطیف، معجم القراءات، دمشق: دار سعد الدین، ۱۴۲۲ق.
۱۷. خمینی موسوی، روح الله، التعلیقة علی العروة الوثقی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
۱۸. خمینی موسوی، روح الله، بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ش.
۱۹. خمینی موسوی، روح الله، تحریر الوسیلة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۲۰. خمینی موسوی، روح الله، کتاب الطهارة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۲۱. خمینی موسوی، روح الله، وسیلة النجاة مع التعالیک، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله، بی تا.
۲۲. خویی، سید ابو القاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: دارالتقلین، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.
۲۳. دمیاطی، احمد بن محمد بن عبد الغنی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۲۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۲۵. رازی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت - دمشق: دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۷. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.

۲۸. سبحانی تبریزی، جعفر، تهذیب الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۲۹. سیفی مازندرانی، علی اکبر، دروس تمهیدیه فی القواعد التفسیریة، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، المقاصد العلیة فى شرح الرسالة الألفية، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۳۲. شیرازی، صدر الدین محمد بن ابراهیم (ملا صدرا) شرح اصول کافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۳۳. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، بی جا: دار المنتظر، ۱۴۰۵ ق.
۳۴. صدر، محمد بن محمد صادق، ما وراء الفقه، تحقیق جعفر هادی دجیلی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۲۰ ق.
۳۵. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۳۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۳۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: المكتبة المرتضوية، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۳۹. عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: مجمع العلمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۴۰. فاضل لنکرانی، محمد، کتاب الطهارة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۳. محیسن، محمد سالم، المغنی فی توجیه القرائات العشر، بیروت - قاهره: دار الجیل - مكتبة الكليات الازهرية، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۴. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۴۵. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.
۴۶. نجفی، محمد حسن، رسائل فقهية الشيخ الجواهري، نسخه موجود در مكتبة اهل البيت (عليه السلام)، بی تا.
۴۷. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقيه، قم: مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث - مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.